

## عارف ربانی حاج میرزا جواد ملکی تبریزی

عارف الهی، سالک مستقیم، محقق ربانی، فقیه صمدانی و مربی نفوس آیةالله حاج شیخ میرزا جواد آقای ملکی تبریزی (رضوان الله تعالی علیه) از اعظم علمای الهی عصر اخیر، و بحق از علمای فقه و اصول و اخلاق و حکمت و عرفان بوده است ....



### عارف بالله

عارف الهی، سالک مستقیم، محقق ربانی، فقیه صمدانی و مربی نفوس آیةالله حاج شیخ میرزا جواد آقای ملکی تبریزی (رضوان الله تعالی علیه) از اعظم علمای الهی عصر اخیر، و بحق از علمای فقه و اصول و اخلاق و حکمت و عرفان بوده است .

### دستورالعمل عرفانی

عظمت مقام عروج روحی آن جناب، از دستورالعملی که برای آیةالله حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی (1) ارسال داشته، دانسته می‌شود . دستورالعمل، این است:

بسم الله الرحمن الرحيم

فدایت شوم ...

در باب اعراض از جد و جهد رسمیات، و عدم وصول به واقعیات، که مرقوم شده و از این مغلط استعلام مقدمه موصله فرموده‌اید، بی‌رسمیت بنده حقیقت آنچه که برای سیر این عوالم یاد گرفته و بعضی نتایجش را مفصلاً در خدمت شریف، ابتدا خود صحبت کرده‌ام، و از کثرت شوق آنکه با رفقا در همه عوالم هم‌رنگ بشوم، اس و مخ آنچه از لوازم این سیر می‌دانستم بی‌مضایقه عرضه داشتم . حالا هم اجمال آن را به طریقه‌ای که یاد گرفته‌ام، مجدداً اظهار می‌دارم :

طریق مطلوب را برای راه، «معرفت نفس» گفتند؛ چون نفس انسانی تا از عالم مثال خود نگذشته، به عالم عقلی نخواهد رسید، و تا به عالم عقلی نرسیده، حقیقت معرفت حاصل نبوده و به مطلوب نخواهد رسید . لذا، به جهت اتمام این مقصود، مرحوم مغفور (2) جزاء الله عنا خیر جزاء المعلمین، می‌فرمود که:

باید انسان یک مقدار زیاده از معمول تقلیل غذا و استراحت بکند تا جنبه حیوانیت کمتر، و روحانیت قوت بگیرد؛ و میزان آن را هم چنین فرمود که، انسان اولاً روز و شب زیاده از دو مرتبه غذا نخورد حتی تنقل ما بین الغذائین نکند . ثانیاً هر وقت غذا می‌خورد، باید مثلاً یک ساعت بعد از گرسنگی بخورد، و آنقدر بخورد که تمام سیر نشود . این در کم غذا . و اما در کیفیت، باید غیر از آداب معروفه، گوشت زیاد نخورد؛ به این معنی که شب و روز هر دو نخورد، و در هر هفته دو سه دفعه هر دو را، یعنی هم روز و هم شب را ترک کند، و یکی هم اگر بتواند للتکلیف نخورد . و لامحاله آجیل خور نباشد، و اگر احیاناً وقتی نفسش زیاد مطالبه آجیل کرد، استخاره کند . و اگر بتواند، روزه‌های سه روز هر ماه را ترک نکند .

و اما تقلیل خواب؛ فرمودند شبانه‌روز شش ساعت بخوابد . و البته در حفظ لسان و مجانبت اهل غفلت اهتمام زیاد نماید . اینها در تقلیل حیوانیت کفایت می‌کند .

و اما تقویت روحانیت؛ اولاً دائماً باید هم و حزن قلبی به جهت عدم وصول به مطلوب داشته باشد . ثانیاً تا می‌تواند ذکر و فکر را ترک نکند که این دو، جناح سیر آسمان معرفت است . در ذکر، عمدتاً سفارش، اذکار صبح و شام، اهم آنها که در اخبار وارد شده، و اهم تعقیبات، صلوات، و عمدتاً، ذکر وقت خواب که در اخبار مأثور است؛ سیما متطهراً در حال ذکر به خواب رود .

و [در باره] شب‌خیزی می‌فرمودند: زمستانها سه ساعت، تابستانها یک ساعت و نیم .

و می‌فرمودند که در سجده ذکر یونسیه (3) - یعنی در مداومت آن که شبانه روزی - ترک نشود، هر چه زیادتاً توانست کردن، اثرش زیادتراً، اقل اقل آن چهارصد مرتبه است؛ خیلی اثرها دیده‌ام . بنده خود هم تجربه کرده‌ام، چند نفر هم مدعی تجربه‌اند .

یکی هم قرآن که خوانده می‌شود، به قصد هدیه [به] حضرت ختمی مرتبت (ص) خوانده شود .

و اما فکر برای مبتدی؛ می‌فرمودند: در مرگ فکر بکن، (4) تا آن وقتی که از حالش می‌فهمیدند که از مداومت این مراتب گیج شده، فی الجمله استعداد پیدا کرده، آن وقت به عالم خیالش ملتفت می‌گردند (5) یا آنکه خود ملتفت می‌شود . چند روزی همه روز و شب فکر در این می‌کند که بفهمد که هر چه خیال می‌کند و می‌بیند، خودش است و از خودش خارج نیست . اگر این را ملکه می‌کرد، خودش را در عالم مثال می‌دید؛ یعنی حقیقت عالم مثالش را می‌فهمید و این معنی را ملکه می‌کرد .

آن وقت می‌فرمودند که، باید فکر را تغییر داد و همه صورتهای و موهومات را محو کرد و فکر در عدم کرد . (6) و اگر انسان این را ملکه نماید، لابد تجلی سلطان معرفت خواهد شد . یعنی تجلی حقیقت خود را به نورانیت و بی‌صورت و حد، با کمال بها، فائز آید . و اگر در حال جذب ببیند،

بهرتر است؛ بعد از آنکه راه ترقیات عوالم عالیہ را پیدا کرد، هر قدر سیر کند اثرش را حاضر خواهد یافت .  
و به جهت ترتیب این عوالم که باید انسان از این عوالم طبیعت، اول ترقی به عالم مثال نماید، بعد به عالم ارواح و انوار حقیقیه؛ البته براهین علمیه را خودتان احضر هستید . عجب است که تصریحی به این مراتب در سجده دعای شب نیمه شعبان - که او ان وصول مراسله است - شده است که می‌فرماید: «سجد لک سوادی و خیالی و بیاضی» . (7) اصل معرفت آن وقت است که هر سه فانی بشود؛ که حقیقت سجده عبارت از فناست که عندالفناء عن النفس بمراتبها، یحصل البقاء بالله . رزقنا الله و جمیع إخواننا بمحمد و آلہ الطاهرين . باری، بنده فی الجملة از عوالم دعاگویی اخوان، الحمدلله بی‌بهره نیستم و دعای وجود شریف و جمعی از اخوان را برای خود ورد شبانه قرار داده‌ام .

حد تکمیل فکر عالم مثال، که بعد از آن، وقت محو صورت است، آن است که یا باید خود به خود ملتفت شده عیانا حقیقت مطلب را ببیند، یا آنقدر فکر بکند که از علمیت گذشته عیان بشود . آن وقت محو موهومات کرده، در عدم فکر بکند، تا اینکه از طرف حقیقت خودش تجلی بکند . (8) (ص 101 ، 107 - 110)

### مدارج علمی و سیر و سلوک مرحوم ملکی

حاج میرزا جواد آقا بعد از تحصیل مقدمات، در مسقط الرأس خود تبریز، به عراق عرب مهاجرت کرد و در نجف اشرف رحل اقامت افکند و در محضر اعلام دین به کسب معارف حقه الهیه پرداخت .

از تأییدات آن سوئی که شامل حال مرحوم میرزا جواد آقا ملکی شده بود اینکه، در آن عصر تشریف به آستانه ولایت در نجف اشرف، توفیق ادراک ساحت اعلا بزرگترین معلم اخلاق در عصر اخیر، جمال السالکین جناب آخوند ملا حسینقلی همدانی را به دست آورد که بر اثر تمامیت قابل و اتمیت فاعل، به سیر و سلوک منازل و مراحل عالیہ عوالم نفس نائل آمد .

رساله لقاء الله وی بارقه‌ای از بارقه‌های آتشین و دلنشین آن محفل عرشی است . و أسرار الصلاة اش مشتق از خروارها شروق اسرار آن محضر اعلاست . و کتاب مراقباتش نمودی از درس حضور و شهود آن مجلس اسنای استاد بزرگ ربانی آخوند ملا حسینقلی همدانی است، أفاض الله علینا من بركات أنفاسهما النفیسة . (ص 104 - 105)

باید کفش آنها را پیش پایشان جفت کنی

جناب آقا صدوقی سها در تاریخ حکما و عرفا (ص 133، ج 1) می‌نویسد: «از بعضی از اهل سلوک منقول است که آقا میرزا جواد آقا بعد از دو سال خدمت آقا (سرکار آخوند ملا حسینقلی همدانی) عرض می‌کند: من در سیر خود به جایی نرسیدم .

آقا در جواب، از اسم و رسمش سؤال می‌کند . او تعجب کرده می‌گوید: مرا نمی‌شناسید؟ من جواد تبریزی ملکی هستم . ایشان می‌گویند: شما با فلان ملکی‌ها بستگی دارید؟ آقا میرزا جواد آقا چون آنها را خوب و شایسته نمی‌دانسته، از آنان انتقاد می‌کند . آخوند ملا حسینقلی همدانی در جواب می‌فرماید: هر وقت توانستی کفش آنها را که بد می‌دانی پیش پایشان جفت کنی، من خود به سراغ تو خواهم آمد . آقا میرزا جواد آقا فردا که به درس می‌رود، خود را حاضر می‌کند که در محلی پایین‌تر از بقیه شاگردان بنشیند تا رفته‌رفته طلبه‌هایی که از آن فامیل در نجف بودند و ایشان آنها را خوب نمی‌دانسته مورد محبت خود قرار می‌دهد، تا جایی که کفششان را پیش پای آنها جفت می‌کند . چون این خبر به آن طایفه که در تبریز ساکن هستند می‌رسد، رفع کدورت فامیلی می‌شود .

بعد، آخوند او را ملاقات می‌کند و می‌فرماید: دستور تازه‌ای نیست، تو باید حالت اصلاح شود تا از همین دستورات شرعی بهره‌مند شوی . ضمنا یادآوری می‌کند که کتاب مفتاح الفلاح شیخ بهائی برای عمل کردن خوب است» . (ص 127 - 128)

### پیامی به حوزه‌های علمیه در تدریس کتب ادعیه

آنکه از جناب آخوند ملا حسینقلی همدانی نقل شده است که مفتاح الفلاح شیخ بهائی برای عمل کردن خوب است، این کمترین در بعض مقالاتش گفته است:

«امید آنکه در حوزه‌های علمیه، صحف ادعیه و اذکار که از ائمه اطهار (ع) صادر شده است و بیانگر مقامات و مدارج و معارج انسان است، از متون کتب درسی قرار گیرند و در محضر کسانی که زبان فهم و اهل دعا و سیر و سلوکند و راه رفته‌اند و راهنمایند، درس خوانده شوند . مثلا به ترتیب، اول مفتاح الفلاح شیخ بهائی، و پس از آن عدة الداعی ابن‌فهد و بعد از آن قوت القلوب ابوطالب مکی و سپس اقبال سید بن طاوس و در آخر انجیل اهل بیت و زبور آل محمد (ع) صحیفه سجادیه، در عداد کتب درسی درآیند که نقش قوی در احیای معارف اصیل اسلامی دارند» . (9) (ص 128)

پی‌نوشت:

- 1) برای اطلاع از شرح حال و آثار این عالم ربانی و فقیه و فیلسوف، ر ک: مجله نور علم، ش 40 ، ص 38 - 59 .
- 2) حضرت علامه حسن‌زاده در توضیحات ذیل دستورالعمل، فرموده‌اند: «مراد مرحوم آقا ملکی از «مرحوم مغفور ...» جناب آخوند ملا حسینقلی همدانی است» (در آسمان معرفت، ص 111) برخی از دستورالعمل‌ها و مناجات‌های شیخ عارفان آخوند ملا حسینقلی همدانی، در کتاب تذکره المتقین، تألیف حاج شیخ محمد بهاری، درج شده است . همچنین دونا مه از ایشان در مجله حوزه، ش 1 ، ص 53 - 58 و ش 11 ، ص 87 - 93 چاپ شده است .
- 3) مراد از ذکر یونسیه، دعایی است که از قول حضرت یونس (ع) در آیه 88 سوره انبیا آمده است . «لا إله إلا أنت، سبحانک انی کنت من الظالمین» .
- 4) شهید اول (قده) نیز در دستورالعملی که از او نقل شده گوید: «یاد مرگ، آدمی را در نیل به حقایق بندگی کمک می‌کند . از پیامبر اکرم (ص) پرسیدند: آیا کسی با شهیدان محشور می‌شود؟ پیامبر اکرم (ص) پاسخ داد: "بلی، کسی که هر روز بیست بار یاد مرگ کند" . مرگ آرزوها را کوتاه و عمل را نیکو کند» . («دستورالعملی منقول از شهید اول» ، محسن صادقی، پیام حوزه، س 1 ، ش 3 ، ص 97) .
- 5) علامه حسن‌زاده در ذیل دستورالعمل، در توضیح این کلام فرموده‌اند: «از مرحوم استاد علامه طباطبائی در بیان این کلام مرحوم میرزا

جواد آقا که فرمود: "آن وقت به عالم خیالش ملتفت می‌کردند" پرسیدم . فرمود: آقا! انسان بدانچه علم پیدا می‌کند، همه در صقع نفس اوست، و همه عالم مثال علم اوست، و هر چه که می‌بینی (یعنی ادراک می‌کنی) همه خودتی و از تو خارج نیست» .

6) استاد حسن‌زاده در ذیل این کلام، به نقل از علامه طباطبائی می‌فرماید: «مراد اینکه آقای ملکی فرمود: " باید فکر را تغییر دهد و همه صورتها و موهومات را محو کرد و فکر در عدم کرد" این است که، همه اینها را مظاهر و مجالی حق داند و حق را در این مظاهر ببیند و برای آنها استقلال وجودی ننگرد، که مراد از «عدم» این است؛ چه ظهور بدون مظهر و جلوه بدون مجلی معنی ندارد و تحقق پیدا نمی‌کند . پس، همه را حق ببیند . و عارف همان را در آخر می‌یابد که در اول یافته بود و عامه در حال می‌یابند، جز اینکه نحوه یافتن تفاوت دارد . و در این حال، به عالم نور و بیاض و عیان رسیده است» .

7) حضرت علامه حسن‌زاده در ذیل دستورالعمل، فرموده‌اند: «آنکه فرمود: "در سجده دعای شب نیمه شعبان می‌فرماید: سجده سوادى و خیالی و بیاضی" اشاره است به سجده رسول الله (ص) در شب نیمه شعبان که در سجده می‌فرمود: " سجده سوادى و خیالی و آمن بک فؤادى" که به جای فؤادى، در نسخه یاد شده «بیاضی» آمده است . تفصیل آن در مفاتیح الجنان مرحوم محدث قمی مذکور است و اصل آن در مصباح المتعجد شیخ طوسی چاپ سنگی، ص 585 مسطور است» . (در آسمان معرفت، ص 111) .

8) شایان ذکر است که این دستورالعمل در مجله حوزه (ش 4، اردیبهشت 1363) نیز چاپ شده است . اما اغلاطی - لایب مطبعی - در آن راه یافته است . بعلاوه، مزیت دستورالعملی که علامه حسن‌زاده نقل کرده‌اند، در این است که اولاً، ایشان در ذیل دستورالعمل توضیحاتی از خود و به نقل از علامه طباطبائی (قده) آورده‌اند (آسمان معرفت، ص 108 - 109) . دیگر آنکه ایشان خود، نسخه دستورالعمل را از روی نسخه‌ای که علامه از روی نسخه مرحوم غروی اصفهانی تحریر کرده بوده است، بازنویسی کرده (آسمان معرفت، ص 105 - 107) اما در مجله حوزه هیچ اشاره‌ای به سند دستورالعمل نشده است . گفتنی است که دستورالعمل دیگری در آداب و عظم و امامت جماعت از مرحوم ملکی، در مجله حوزه، ش 16 ، ص 121 - 131 چاپ شده است

مجله پیام حوزه، شماره 10 و 11، حسین‌زاده ، محسن؛